

روان‌شناسی شخصیت: چشم‌اندازهای اسلامی

Psychology of Personality: Islamic Perspectives

- علم‌النفس از دیدگاه دانشمندان اسلامی

- مؤلفان / ویراستاران: امیر حق و یاسین محمد

- مترجم: مهدی گنجی

- نشر ساوالان

- ۱۳۹۰، ۲۸۸ صفحه، ۱۰۰۰ نسخه، بها ۶۰۰۰۰ ریال

محمدتقی دلخوش

دانشگاه آزاد اسلامی

واحد تهران جنوب

«شخصیت، یا اصطلاح قدیمی «نفس»، که تقریباً معنای «خود» را دارد، برای دانشجویان روان‌شناسی بسیار مهم است. زیرا آنجاست که دانشجویان متوجه می‌شوند چه عواملی در رفتارها و فرایندهای فکری ما اثر می‌گذارند. دانشجویان مسلمان روان‌شناسی باید مفهوم شخصیت را مطابق با حقایق قرآنی آن یاد بگیرند. هم قرآن و هم حدیث، بر موضوع طبیعت انسان نور کافی می‌افشانند و ما باید در آنچه آنها می‌گویند کندوکاو کنیم. برای مسلمانان، مهم این است که به امور غیرقابل مشاهده و غیر ملموس بیشتر ارزش بدهند تا به امور فیزیکی و عینی، که می‌توان آنها را با اندام‌های حسی بیرونی مشاهده کرد، زیرا برای مسلمانان اول روح است و دوم ماده.

این عبارات کم و بیش آشنا، برگرفته از مقدمه کتاب «روان‌شناسی شخصیت: چشم‌اندازهای اسلامی» است که به قلم جمعی از مؤلفان و به ویراستاری امیر حق و یاسین محمد و به ترجمه مهدی گنجی با عنوان «علم‌النفس از دیدگاه دانشمندان اسلامی» توسط نشر ساوالان در ۲۸۸ صفحه، در سال ۱۳۹۰ انتشار یافته است.

مروری بر اثر

کتاب شامل پیشگفتار (در نسخه انگلیسی)، مقدمه، معرفی نامه مختصری از مؤلفان، و سه بخش (دربگیرنده ۱۴ فصل)، و واژه‌نامه‌های انگلیسی-فارسی (عربی) و فارسی (عربی)-انگلیسی است.

در پیشگفتار، یاسین محمد به بیان قابلیت‌های روان‌شناسی اسلامی می‌پردازد. اینکه روان‌شناسی اسلامی انسان را به فطرتش بازمی‌گرداند و مبنایی برای درمانگری روان‌شناختی-روحانی فراهم می‌کند (مترجم به دلخواه پیشگفتار را از کتاب حذف کرده است). امیر حق، در مقدمه با روی آورد انتقادی به روان‌شناسی غربی، در طرح چشم‌انداز اسلامی از شخصیت، روح را در جایگاه اصلی شخصیت قرار می‌دهد.

روح، عطیه‌ای الهی است از سوی خدا به انسان که سرشت فطری او را بنیان گذارده و رفتار او پیامدی است از تعامل فطرت و محیط پیرامونش. این آن چیزی است که مؤلفان پنج فصل بخش نخست کتاب از آن دفاع می‌کنند. یاسین محمد، مؤلف دو فصل آغازین، در فصل اول به بحث در باب فطرت و در فصل دوم به مفهوم انسان به منزله عالم صغیر می‌پردازد. مالک بدری، در فصل سوم ماهیت انسان در روان‌شناسی سکولار را از زاویه اسلامی نقادی می‌کند. مصطفی عشویی، با اتخاذ چشم‌انداز روان‌شناختی مقایسه‌ای، و طرح پرسش‌های بنیادی، تلاش می‌کند که تمایز دو چشم‌انداز مدرن و اسلامی را در سه

بعد روحانی، روان‌شناختی و رفتاری انسان بازشناسی کند، و در فصل پنجم محمود د/وودی، به جایگاه طبیعت انسان در تفکر ابن‌خلدون می‌پردازد.

در بخش دوم، در دو فصل نخست (فصل‌های ششم و هفتم) مفاهیم کلیدی روح، قلب، نفس و عقل مورد بحث قرار گرفته است. فضل‌الرحمان در فصل شش، ماهیت روح را بر مبنای فلسفه ملاصدرا شرح می‌دهد و سیدمحمد تقیب العطاس در فصل هفتم، در بحث ماهیت انسان و روان‌شناسی روح انسانی، در بازگویی چشم‌انداز سنتی در باب ماهیت انسان، که بر دوگانه‌نگری روح و جسم مبتنی است، به غزالی رجوع می‌کند. فصل‌های باقی‌مانده در این بخش، بر هشیاری و هدایت نفس و نقش اساسی قلب در کمال‌یافتگی شخصیت متمرکز است. منظورالحقی، در فصل هشتم، قلب را به‌عنوان پردازنده اطلاعات معرفی می‌کند و تحول شخصیت را مشروط به باز شدن چشم قلب می‌داند. به گونه‌ای مشابه در فصل نهم، ابرار احمد بر نقش بنیادی قلب در سلامتی روانی تأکید می‌کند. وی در پرتو دانش قرآنی، تبیینی روان‌شناختی-متافیزیکی برای آسیب‌شناسی قلب فراهم می‌کند، و لاله بختیار در فصل دهم، زیر عنوان روان‌شناسی اسلامی سنتی، ارتباط نفس و طبیعت را به بحث می‌کشد؛ نفس و طبیعت بازتاب‌هایی از خودافشاگری خدا به‌منزله «خالق» هستند.

در چهار فصل بخش سوم، انگیزش و ریخت‌های شخصیت از دیدگاه اسلامی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در اسلام، انسان در رابطه با خداست که برانگیخته می‌شود، به دیگر بیان، انگیزش هم بعد روان‌شناختی دارد و هم بعد روحانی. در فصل یازدهم، شفیق فلاح علاونه بر انگیزه‌های «ایمان»، «تقوی»، «توبه» که با پاداش و تنبیه اخروی فعال می‌شوند، تأکید می‌کند. محمد عثمان نجاتی در فصل دوازدهم، با انتقاد از نظریه فروید، نظریه مزلو را برای چشم‌انداز اسلامی مناسب می‌بیند. رشید حمید در فصل سیزدهم، به توضیح «سازه‌های بنیادی و اساسی» در شخصیت اسلامی می‌پردازد. وی در پایان نتیجه می‌گیرد، شخصیت اسلامی محصول تسلیم واقعی به الله است. در فصل پایانی (چهاردهم) صیاد فرید احمد، در الگویی زنجیره‌ای، خالق، دمیدن روح الهی، فطرت، خودشناسی و هشیاری اسلامی، و در نهایت تربیت اسلامی را شکل‌دهنده شخصیت اسلامی می‌انگارد.

کاستی‌های اثر

«پیشگفتار»، و بخشی از مقدمه حذف شده، بی‌آنکه مترجم، خواننده را از آن آگاه کرده باشد. در ترجمه، هر عبارتی اگر ثقیل بوده، یا فهمیده نشده، به ترفندی ساده‌سازی شده، از عنوان بخش‌ها و فصل‌ها گرفته (عنوان اصلی فصل نهم، از «آسیب‌شناسی قلب در قرآن: تبیین روان‌شناختی - متافیزیکی» به «بهداشت روانی در قرآن» تغییر یافته) تا بسیاری از عبارات‌های داخل متن کتاب بر همین منوال است. همچنین افزون بر حذف فهرست منابع، تاریخ‌های ارجاعی (داخل پارانتر) در برابر اسامی افراد نیز در متن حذف شده‌اند.

«معرفی مؤلفان»، در اصل نسخه انگلیسی مختصر و خرد است. در کارنامه علمی مؤلفان صرفاً عضویت‌های دانشگاهی آنها قید شده و به اخذ مدارج و دوره‌های علمی، حوزه‌های تدریس، تألیف و پژوهش آنها اشاره نشده است. ترجمه «معرفی مؤلفان»، در نوع خود جالب است، برای مثال: «اینترنشنال ایسلامیک یونیورسیتی مالیزیا».

این شیوه ترجمه لاقیدانه همراه با تظاهر به عربی‌دانی در سراسر اثر یافت می‌شود: فانکشنالیسیم (الوظیفه)، اصل قابلیه‌الخطا، پیش-وجودی (پری-اگرزیستنشیال)، نئوپلاتونیک، بیولوژیک، ساجکتیو، اکتیویسم، پسیکولوژیک، اتوماتیک، نورولوژیک، هموسکشوالیتی، نوروساینس، پالس‌ها، ایگو، اید، کل‌الشورر، کل‌الخیرور، وعی‌الذات (self-consciousness)، تحقیق‌الذات (self-actualization)، ضبط‌النفس این نمونه‌ها توجیه می‌کند که چرا نیازی به بحث در مورد نارسایی معادل‌های فارسی برای اصطلاحات تخصصی نیست.

اما درخصوص کاستی‌های محتوایی می‌توان به موارد اشاره کرد: همپوشی گستردهٔ مباحث مؤلفان و تکراری بودن مطالب که قابل تقلیل به چند اصل اساسی است: اصل نخست، فطرت. «و فطرت در نفس و دل منقوش است و رفتار را هدایت می‌کند؛ هدایت به سوی خدا». به بیان دیگر «فطرت توانایی ذاتی برای شناسایی و اعتقاد و تسلیم شدن به خداوند است»؛ «چه انسان به منزلهٔ بردهٔ خداوند باید ربانیت حق را بپذیرد». دومین اصل، مرکزیت قلب. «همهٔ قوه‌ها تحت فرمان قلب است، قلب است که ادراک می‌کند، هدف تعیین می‌کند، ... قلب اندامی است که تصمیم‌گیری می‌کند و کل سیستم پردازش اطلاعات را در کنترل خود دارد». اصل سوم، اصالت روح. «اول روح است و دوم ماده». «روح منبای همهٔ چیزهایی است که شخصیت انسان را ممکن می‌سازد». اصل دیگر، ایمان «و ایمان اساس و نیروی انرژی‌دهندهٔ همهٔ انگیزش‌هاست ... ایمان یک باور روان‌شناختی عمیق است و همهٔ ابعاد شناختی، عاطفی، یا ارادهٔ آزاد انسان را دربرمی‌گیرد». و بیان این اصول همراه است با انتقاد از نظریهٔ فروید و رفتاری‌نگری (و بی‌هیچ اشاره‌ای به دیدگاه تحلیل عاملی و مفهوم الگوی هنجاری) و روی خوش نشان دادن به دیدگاه روان‌شناسی شناختی؛ آن‌هم با ملاحظاتی (پیش از روان‌شناسی مدرن، روان‌شناسان اسلامی، قرن‌ها قبل، اثر نیرومند ذهن بر جسم را متوجه شده بودند).

مؤلفان بدین مسئله توجه نمی‌کنند که اتکا به اصل فطرت به منزلهٔ یک الگوی تبیینی به مفهوم‌سازی‌های از شخصیت منجر می‌شود که بر اساس آن نمی‌توان به‌گونهٔ عمیق، همه‌جانبه، و تا حد ممکن صریح و دقیق به درک و فهم شخصیت افراد نایل شد. چنین الگویی در ماهیت خود جمعی‌نگر بوده و اساساً به فردیت (شخصیت) اعتقادی نداشته و چنین مفهومی را غیر-دینی دانسته و طرد می‌کند. در این الگوی تبیینی، یک طبقه‌بندی کلی دوجوهی عرضه می‌شود که افراد به درجات به آن نزدیک و یا از آن دور می‌شوند، و آن شخصیت مؤمن (دارای قلب سالم) و شخصیت کافر (قلب مریض) است. الگویی که در ابعادی برجسته‌تر و درمفهوم‌پردازی دقیق‌تر و ظریف‌تر در قرن پنجم از سوی غزالی بیان شده است.

چنین طبقه‌بندی‌هایی به سادگی به شباهت‌های بین ویژگی‌های روحانی (شخصیت) انسان و عالم هستی متوسل می‌شوند: مثل شیر مستبد، مثل گرگ مستکبر، مثل روباه مکار، مثل خوک خیبت، مثل مگس سمج، مثل الاغ احمق، ... چه این درک بنیادی وجود دارد که انسان عالم صغیر است و نه جزء کوچکی از طبیعت.

یا برای تقویت انگیزه ایمان، به فرایند پاداش و مجازات اُخروی تأکید می‌شود: «مدتها قبل از اسکینر، در قرآن نوشیدن آب جوشان آمده است و مثال‌های تقویت مثبت در قرآن، تخت‌هایی در سایه با انواع غذاها و میوه‌ها.»

سودمندی اثر

مقالات منتخب در باب شخصیت از چشم‌انداز اسلامی که با رجوع به قرآن، حدیث و آثار نخستین اندیشمندان مسلمان، توسط جمعی از دانشگاهیان علوم انسانی (به‌ویژه روان‌شناسان) از سراسر جهان، تدوین یافته‌است، امکان آشنایی با این نظرگاه را فراهم می‌کند.

سخن پایانی

این اولین کتابی نیست که با عنوان علم‌النفس منتشر می‌شود. این کتاب ترجمه است و ترجمهٔ شیوا و رسایی هم ندارد. دور از ذهن نیست که ترجمهٔ کتاب به اقتضای اسلامی شدن روان‌شناسی روانهٔ بازار شده‌است. به‌رغم آنچه بیان شد باید بدین نکته توجه کنیم که جمعی از دانشگاهیان شناخته‌شده در جهان اسلام آن را فراهم کرده‌اند. سبب بررسی این کتاب نیز همین بوده است. هشدار به تدوین‌کننده‌های این قبیل کتاب‌ها در مراکز آموزش عالی، که آموزه را نیازمایند.